

در عشر آخر ذیحجه که ناخوشی و باورکاشان شد
 کرده بود رمضان نامی کاشانی در خارج شهر
 فوت شد سپری داشت ادم روز بعد بهان
 ناخوشی در گذشته بود کسی که او را می شناسند
 بعالیجاه میر حسن خان گفته بودند که این شخص مصفا
 از زندان مشهور بود عالیجاه شارالیه هم همان
 اشخاص را که بمقتضی اموال مسروق گماشته بود با
 نواز سادات و طایفی آن محله بخانه او فرستاد
 بعد از کاوشش سخت مسروق را بعلاوه دو نفر دیگر
 دیگر که صاحبش معلوم نبود پنج نفر از در خانه
 او بوده است در آورده بودند و جبهه جواهرالاسما
 هم در میان خرمجوه ان پنهان کرده بود بیرون
 آورده آنها را بصاحبش تسلیم کردند و دو نفر
 دیگر که صاحبش معلوم بود با ادم مسنی سپرده است
 که صاحبش پیدا شده با و تسلیم نمایند
 کرمان

۱۵۳۸

سرمنگ نیز که در اردبیل بم بود بمقتضی استحضار فرمای
 جمعی تفکیکی و استعداد از آنجا برده است تبعاقب
 بلوچان تا ماساکن خود آنها رفت جنگ در پوسته
 و کمال رشادت و جلالت را بعین آورده سی و دو
 نفر از اشعار مذکور را سر نموده و یک نفر زنده در
 کرده مشر و اموالی که برده بودند با تمام از آنها
 مسترد کرده بود

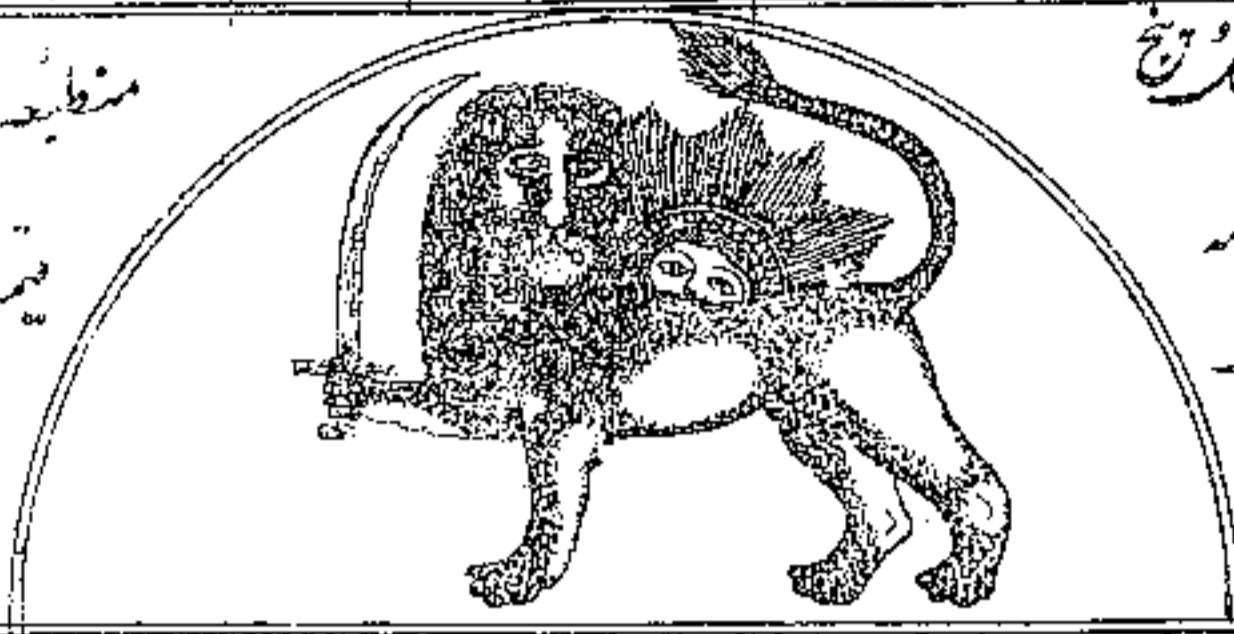
دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا شفیع مهتم بلوکات
 کرمان ادم فرستاده نوشته است که اول آور
 حفظ و حراست حد و مسلمان خود مراقب باشند
 که از اشعار بلوچ و غیره با نهاد دست اندازی نشود
 و نیا مباحثین در بات منزل دیوانی دادند
 نخواستند تا حکم از اولیای دولت قاهره برسد
 و در سر راهها همه جا سوار حفظ فرستاده است
 که عابرین بی تشویش عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخنی خان سر قریب با آنها
 نظم و حسن سلوک با امالی کرمان رفتار میکند و از میرزا
 او کسی قدرت حرکت خلاف ندارد و عالیجاه شارالیه
 نهایت مراقبت را درشت و نظم آنها بعین می آورد
 کرمانشان و کروکس و کروستان
 و کیلان و ظایر و نهار و نهد و بهمان و
 ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده است

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند در ۲۶
 ذیحجه خبر باسجا رسیده بود که جمعی از قطاع الطریق
 و اشعار بجهتیه ببراها آمده چند نفر شتر از یک
 خبیص و مالی از طبرستان برده اند عالیجاه میرزا شفیع
 پیشکار کرمان بجمول آگاهی سی نفر از نوار چهار دیو
 جمعی عالیجاه بکرفان با آب و آذوقه و قورخانه
 نسبت لوت خبیص روانه کرد عالیجاه امامعلی خان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۲۲

نزدیک و چندین
قیمت روزنامه
برنج ده شکر



منظومه و اخبار طهران
قیمت اعلانات
پست و چاپ

انتخاب واحد مالک محروسه پادشاهی

اردوی هاپون

چنانچه در روزنامه هفت سابق نوشته شد سرکار
اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای دادگاه
گردیده چند روز است که در عمارت دادگاه
توقف دارند و هوای اینجا بسیار خوب و مطایم
و بر وجود فالین ایچ و هاپون خوش میگذرد
و بعضی روزها را سوار شده صفحات شیران را
تفریح و گردش مینمایند و بجهت الله تعالی از زمین
رکاب فیروزی انتاب کسی ناخوش شده و همه
در کمال صحتیه هستند

دارالخلافه طهران

در این اوقات چنانچه در روزنامه هفت گفته شد
نوشته شد ناخوشی بابائی ایچله بروزی در بعضی
مکالمات دارالخلافه دارد ولی از ناخوشیهای

متفرقه از قبیل تب و لرز و محرقه و مطبقه شیر
از ناخوشی و باست چون با اقتضای فصل پاییز
هر سال چند روزی در اوایل یا نیز است که
امراض بسبب و فورمیوجات و اختلاف هوا
بروز کرده و زود در رفع میشد امید است که
نیز رفع شود

درین روزها یک نفر کتیه بردسکیر کرده
نواب ستاب شاهزاده و الا تبار از شیر
حکمران دارالخلافه طهران و نواب آورده
نواب معزنی الیه سیاست و تنبیه مضبوطی
کرده و چهارم بوده در بازارها گردانند
اخراج بلد کردند

سه نفر دزد دیگر بردسکیر شده چون مالی
نبرده بودند به تنبیه اکتفا کرده مرخص نمودند

۱۵۳۹

و اشرف و امانی بعل آمده و مقربان خان حاجی
 میرزا محمد خان و میرزا محمد خان
 برادر مقربان خان قایم مقام تا باسبب استقبال
 کرده و اسباب یک یراق طلا از جانب
 حضرت الدوله و مقربان خان قایم مقام بخلو
 معزی الیه برده اند عالیجا جنرال قونول دو
 بهیته روسیه نیز که در نعمت آباد بوده است از جانب

با اجرای سفارت با استقبال رفته اند و بعد از
 و در و جناب مشار الیه مقربان خان قایم مقام
 در باغ شمال ضیافت بسیار سکین نموده و جمع
 اعیان و اشرف و عالیجا جنرال قونول دو
 بهیته با اجرای سفارت در آن ضیافت بوده اند
 و لوازم تکلفات بعل آمده در و در دهم ماه محرم
 با مسرا آن روانه مقصد شده اند و بمقام قن
 میران پنجه و صاحب منصبان و اعیان و مسرا
 رسم مشایعت را معمول داشته اند

و بیکر نوشته اند که در عهد اصحی و عهد غدیر نواب
 مستطاب حضرت الدوله مر اسلم سلام عید را
 از اجرائی شلیک توپ و غیره بعل آورده اند
 و ادائیگی نظمه نموده بدعای بقای وجود فایض
 همایون ختم و تقدیم شکر گذاری کرده سلام عالم
 منقضی گردیده است

و بیکر نوشته اند که در سفر الواط و حکم آباد

در روزنامه هفتگی که نوشته نوشته شده بود که
 یک ضمیمه پلاستیکی شال و اسباب در بقیه گذاشته
 و نیز ضمیمه دیگری برده است خواه گرفته بود و اصل
 آن نوزده تومان بوده است درین بقیه از او
 گرفته شده بصاحب تسلیم شد و آن ضمیمه
 بصامی برده تا حکم آن بشود

سیار و لایات
 اوزر پایجان

از فرار یک در روزنامه اوزر پایجان نوشته اند
 از اتهامات نواب مستطاب مراده و الابر
 نصره الدوله و مقربان خان قایم مقام کمال
 ائیت و انتظام در انولایت حاصل است و
 عموم امانی انولایت در نهایت فراغت و اسود
 بزمید و عاکونی ذات اقدس بایون اعلیحضرت
 شاهنشاهی استعمال دارند و امور حفظ و حرارت
 شهر و محلات و قراولخانهها و طرق و شوارع درین
 انتظام است

و بیکر نوشته اند که جناب عمده الامار العظام
 عبا تقیخان میر پنجه و سیف الملک بفر کسر دول
 طبعه که نام در دولت بهیته و کس بود در نور دهم
 و پنجه دارد تبریز شده و در و در مقربان خان
 مشار الیه لوازم استقبال و اعزاز و احترام از جانب
 میران پنجه و مسرا پیمان و مسرا مکان و اعیان

سکنی داشتند در دم در واره کجیل نزاع کرده
 پسر حاجی اللبیار که از الواط مشهور است زخمی شده
 مقرب انخاقان قایم مقام مستحضر شده فرستاده
 فوراً آنها را که زخم زده بودند گرفته دست
 حاضر کردند آنها را حسب احکام بعد از سیاحت
 مهار کرده بگرد بازاره و محلات گردانده و در
 پهناسجا که دعوا کرده بودند تبیه مضبوطی شده
 که عبرت سایرین شده کسی بجزکت خلاف
 اقدام ننماید
 دیگر نوشته اند که او فایده مقرب انخاقان قایم مقام
 در دار الخلافه مبارکه بود چند نفر قصاب تبرکی
 بقدر شصت تومان تخواه برداشته نسبت مؤذنا
 رفته بودند که گو سفند خرید به تبر زبیا و رند در
 برزند مشکین چند نفر شاهسون تبرستان
 تخواه مزبور را از آن اشخاص گرفته و خودشان را
 برهنه کرده بودند صاحبان مال رفته بقاصحان
 این بیکی اظهار کرده و در تبریز خدمت نواب
 مستطاب حضرت الدوله معروض داشته حکم و
 محصل برده ولی تخواه بدست نیامده بود تا این
 اوقات که عالیجناب سلطان احمد خان حاکم
 طالش و قاسم خان این بیکی تبریز آمدند و
 مقرب انخاقان قایم مقام تحقیق و غوررسی کردند
 معلوم شد که مرتکبین بعضی از و اسبکان سلطانی

احمد خان و بعضی از و اسبکان قاسم خان
 هستند مقرب انخاقان قایم مقام تخواه قصابها
 تمام و کمال گرفت با آنها تسلیم کردند و صاحبان
 تخواه زیاده از اینمغنی شاکر و اسپه وار و دیاکو
 دولت جاویدت علیه گردید
 دیگر نوشته بودند که علی آقای شاکر خدی بود
 عدم اطمینان از مباحثین دیوان در مباحثی
 این شاکر متزلزل بود و در سلساس و دهانت
 اینجا بر میرد تا این اوقات خود مشایه
 تنها سوار شده بر دم مقرب انخاقان قایم مقام
 آمده در مقام تذل و الخاعت درآمد و مقرب انخاقان
 مشارالیه از او اطمینان و خاطر حسینی بهم رسانید
 مباحثی این مزبور را کافی الی بن با و محفل
 و اگذار کرده این روز محفل درم بوده
 دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان قایم مقام
 همه روزه از طلوع آفتاب الی نصف ساعت از
 شب گذشت اوقات خود را مصروف رسیدگی
 معاطات و محاسبات دیوانی و وصول الصالحات
 مالیات و رساندن مراجب نظام و غیره دار
 و بعد ایض و مطالب عموم مالی از ربا بیجان از
 عالی و ادانی وقت و غوررسی تمام دارند و
 مالیات علی التوالی از ولایات رسیدگی
 دیوان اعلی میرسد

۱۵۴۱

استر آباد و اسد آباد و اصفهان و
بروجرد و سلطام و خراسان و
و عراق و عربستان و فارس
ازین ولایات درین تجاری رسیده است

مروین

از قراریکه در روزنامه مروین نوشته اند
انولایت در نهایت انتظام و در طرق و شوارع
کمال امنیت حاصل است و در هر جا که مستخدم
قراسوران لازم بوده است مقرب انخافان حاجی
حسنعلیان پیشکار انخافان شخص کرده و فرستاده
و عابرین بنجا طرح می کنند و اگر احیاناً مالی از
مترودین بسرقت برود قراسورانها یا بعینه
پیدا کرده بصاحبش تسلیم نمایند یا از عهد عمرت
او برمی آیند و جنم پسین امر شهر و محلات انتظام
تمام دارد و خاصه در ایام عاشورا که از اتهامات
مقرب انخافان مشارالیه و سرقت که خدایان از
احدی حرکت خلافی صادر نشده است

چون هر سال در ایام عاشورا در دیوانخانه نادر
تجه دولتی مخصوصاً از جانب علیحضرت شاهنشاهی
بسمه میگرد و در مخارج آن از دیوان اعلی و اوده میشود
درین سال مقرب انخافان حاجی حسنعلیان مخض مزید دعاگو
بجهت ذات اقدس بایون علاوه بر شاد تومان که از دیوان
منظور میشود هفتاد تومان هم از خود و اوده و همت از سایر

دیگر تکیه بسیار خوب با کمال راستی و زینت
شده هر اسم تقریباً در برابر بعضی آورد فقر و ضعف
خلق را هر روز و هر شب محتاج و اوده و مردم از این
زیاده دعاگوی وجود فایض انجود اقدس بایون
بوده اند

دیگر نوشته اند که خانها بانی را در روز سه شنبه
بعد از تفحص معلوم بود که نفر از بزرگان شهر جمع
سرمه یک مرتبه شده اند چاه مشارالیه آنها گرفته است
و بصاحبش تسلیم و آنها را خسته بود بقطار نظام
آقا سید جواد شفاعت کرده و الان هر سه مجبوس اند
قلم و کاشان کرمان و کاشان کرمان و کاشان کرمان
کرمان و کاشان و کاشان و کاشان و کاشان و کاشان

و همدان و پرو

ازین ولایات نیز اخباری بنود

اخبار خارجه

از قراریکه در روزنامه خارجه نوشته بود علیحضرت پادشاه
در ۳ ماه او وارد پاریس شد و آنچه لوازم اعزاز و احترام بود
در روز در ایها علیحضرت امپراطور فرانس و این ملک تعین
آورده اند و خود و علیحضرت امپراطور تا به بولون که بندر فرانسه
استقبال کرده و از آنجا علیحضرت پادشاه انگلستان
از کشتی بیرون آمده با اتفاق علیحضرت امپراطور
وارد شهر پاریس شده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم خرداد ماه سنه ۱۳۰۳ هجری قمری مطابق ۱۴۲۳ شمسی

روزه حیات چهاردهم



اخبار واحداثیات محروسه پادشاهی

ارو و کی هایون
 موکب هایون شاهنشاهی از وقتی که از اروا
 مبارکه حرکت فرموده اند تا کنون در او
 تشریف دارند و سبب خوبی هوا و صفای
 آنجا بر وجود قایض ایچود هایون و سایر
 طهرین رکات نصرت انتساب بسیار خوش
 گذشته و بجهت کسی در آنجا ناخوش نشد
 و بهی کمال صحت پیدا دارند

در روز پنجشنبه گذشته حسب الامر
 هایون شاهنشاهی یکماده توپ از توپهای
 بزرگ میان میدان ارک را با چند عراده
 توپ دیگر به بیرون شهر میدان بالای
 دلازه زاده برده مشغول تیراندازی شدند
 و اعلیحضرت شاهنشاهی از راه دیپلر مشرف

تشریف فرما گردیده جناب جلالت
 اشرف محترم صدر اعظم و سران و صاحب
 نظام در موکب هایون بوده تا نزدیک
 افتاب با توپ بزرگ و توپهای دیگر نشان
 گذاشته تیراندازی نمودند و خود سرکار
 شاهنشاهی و وزیر نشان زده و بجهت چاکر
 در تیراندازی و اهمیت معلمین و اراکین
 و رشق توپ العام زیاد می با آنها حرکت فرمود
 و مورد تحسین ملوکانه گردیدند و نزدیک
 افتاب موکب هایون بدو دیه مرآت فرمودند

چون درین اوقات از فرار روزها مجتهد
 عراقی که از استرآباد میرسد از طوایف
 ضالیه بیوت عنبره ترکان زیاد و تطاول

۱۵۲۳

دست اندازی بصفت استر اباد و
 ان اطراف می شد و مقرب الخاقان محمد یونان
 نیز کما یجب از عهد و تعدیات آنها نمیتوانست
 بر ایدامهای دولت قاهره حسب الاشارة^{العلیه}
 صلاح در این دیدند که شخصی کافی و کاروان
 که در اولایت بلذیت و باطوائف ترکمان
 سابق تسلط و حکم داشته باشد حکومت
 انجا سرافراز دارند لهذا مقرب الخاقان
 جعفر قلینجان ایلیخان که سالها در سرحدات
 اولایت باکمال رشادت و جلالت با
 طوائف فر بوره زده و خور و نموده و همگی آنها
 از او کمال خوف و بیم داشتند و آرزوهای
 متواتر که از او خورده بودند جبرست اقدام بجای
 و تازان صفیات نیک و نه حکومت استر اباد
 بعلاوه حکومت نزدیک و جاجرم مقرب الخاقان
 مشارالیه مفوض گردید که مراتب رشادت و
 کفایت و کاروانی و حسن سلوک خود را بار عایا
 بیش ان پیش مسعود فاطم حیطر خسروانی داشته
 اولایت را از تعدیات طوائف ترکمان محروس
 و آنها را مطیع و متقاد این دولت جاوید نماید
 نمود و بطریق خیا نچه و لخواه اولیای دولت علیها
 در آن صفیات بدید و از جانب سنی ایجاب
 ملوکانه یکثوب جبهه ترمه کشید بشارالیه خلعت

۱۵۴۴

حکومت مرحمت گردید و روانه محل مأموریت
 می شود و عالیجا میرزا اسمعیل خان را هم که در
 استر اباد سابقا بمباشه تمام خارجه بود بجهت
 صداقت و راستی او بعلاوه بمباشه تمام
 خارجه پیشکاری اولایت نیز بجا میباشد
 مفوض فرمودند که از روی صداقت و راستی
 سخدات محوله بخود پردازد و یک ثوب جبهه
 ترمه کرمانی بمباشه رالیه خلعت مرحمت کرد
 مقرب الخاقان عبداللہ خان میرچخه که قبل از
 فوت پدرش مرحوم محمد حسن خان سردار حکمران
 یزد و کرمان از انجا بفرم عبه پوسی در بارکلیون
 شاهنشاهی بیرون آمده بود در یزد و خبر فوت مرحوم
 سردار بشارالیه رسیده سه چهار روز در انجا
 توقف نموده روانه در بارکلیون گردید و در
 چهاردهم ماه محرم کرام وارد دارالخلافه
 شده از جانب سرکار اقدس بارکلیون شایسته
 و جناب امجد شرف ارض صدر اعظم کمال تلقین
 و تلبیت و نوازش در حق مقرب الخاقان مشارالیه
 بعمل آمده یک ثوب جبهه ترمه از جانب سنی ایجاب
 ملوکانه با و خلعت مرحمت گردید که از لباس تلبیت
 بیرون آمده بامسید واری تمام مشغول خدمت این
 دولت جاوید مدت علییه کرد

بموجب اخباری که درین روزها باولیاى دولت علیّه
رسیده است جناب عمّ الامراء العظام مقرب الخاقان
عباسلیخان پیرنچه و سیف الملک سعید سیرت
علیه مامور دولت بهیروزس که در دوازدهم محرم
از تبریز بجل ناموریت حرکت کرده بود در ۱۱ ماه بروز
وارد سرحد شده و صاحب منصبان دولت بهینه که
چو پذیرائی و عهده داری مامور بودند بموجب دستور
کافانوف پورچیفوف با طائف مرآتوف حاکم
سرینک توخان مترجم نایب شایسته پانچوان
طنع خان سرزنوف میرس حکیم با
با جمعی سادات سواره و صاحب منصبان دیگر و ده
عزاده کاسک و ده عزاده ترشکه که چند روز قبل
وارد شده مستطوره و جناب رالیه بودند
از ورود با بیظافت رود و از سستی صاحب منصب
شیرینی بخار کپا و درود فرستاده کمال توقیر
و احترام را بجا آوردند و روز دیگر هم که در آن
سرحد توقف کرده است صاحب منصبان مازنی
آمده نهایت احترام و پذیرائی را معمول داشته اند
و جناب رالیه نیز کمال مهربانی را با آنها نموده در
یوم ۱۹ از رود و اسس عبور نموده مجدداً صاحب
تاکان رود و اسس استقبال نموده و سادات
و سواره صف نظامی کشیده احترام عمیکه را بطور
شایسته بجا آورده اند و بعد از صرف چای و قهوه
با نهایت شکوه و آراستگی با هم آنان روانه

محل ناموریت شده اند
دیگر از جمله اخباری که این اوقات بدربار ما یونان
سعید محمدخان ظهیرالدوله حاکم بهرات این روزها بنامی
سوسلوک با امالی بهرات گذاشته عالی و ادانی آن
ولایت را از خود رنجانده از جمله کرید او خان هزاره یا
بیموچی بقتل رسانده و از سفر قورات که برشته بود
بیرون و بدنه شهر بهرات بسبب حرکت ستم ال
کرده بودند گفته بود میخواستیم بدنام بهرات را بپوشانیم
خراب کردیم با بچه ازین بقوله حرکات رالیه بعد با
او بجزه و ضعیف و اخذ جرمین از بهر کسی بدون جنایت و
کتابی و تهور با بیخ هزاره از او بسبب قتل کرید او خان
سبب و نشت و نفرت با بهر او و امالی آن ولایت
فرستاده اهل آنجا را علاج هزاره را بشهر کشیده و آواز
سار الیه را گرفته اند و در جزو بنوای هر ده محمدی
انفغان که در آنجا مشغول خدمت بودند نوشته که
خود را بجهیل بهرات رسانده رالیه نیز بوصول این
خبر فرزاد و نسیکه کسیرا خبر نماید یا اینکه نواب
حکمران حدان مطلع بشود و بهرات شتافته و امالی شهر
از انفغان و هزاره و غیره او را بچکومت خود تعیین کرده
و با الفل در کمال استقلال مشغول حکومت آن ولایت
حالیجا رستم سلطان که از قدیمی چاکران بود از قرار حکم نظامی
بیاوردی تو پخانه مبارکه سرفراز گردید و در پارتو هم محرم

۱۰۶۵

مامور ساخو صوبستان
دار انحلاف طهران

هوای شهر و اطراف این روزها در کمال طمیت است
و نهایت فراوانی و ارزانی حاصل است و خلافت
حسابی از کسی ناشی و صادر نمیشود و ناخوشی و باز
قرار مذکور هنوز رفع نشده است و لکن روز بروز در قضا
و از قرار روزنامه شهر در ایام شدت فقط از
ناخوشی و بار نیاده از پاره شازده تلف
شده اند امید است که بشارت الهی این روزها بآل
مرتفع و رفیع توشیح مردم بشود

در شب جمعه گذشته که بیست و هشتم ماه محرم است
عالیجناب میرزا محمد ولد اخوند ملا عبد اکلیل لایبجانی
که در دار انحلاف مشغول تحصیل علوم است با جمعی
بقصد زیارت امامزاده و حبیب العظیم حضرت عبد العظیم
از شهر بیرون رفته در حوالی دروازه شازده
عبد العظیم گریه پوی که یکصد و چهل تومان وجه اشرفی
در یال در آن بوده است پیدا کرده بعد از ورود
بشازده عبد العظیم جوایبی صاحب پول شده آخر آن
معلوم شده بود که وجه مذکور از سینه چاقوش کربلا
بوده است پس از انکشاف و علامت کتبه را داده
و وجه مذکور را تمام و کمال تسلیم صاحبش نموده و
قدر صاحب بخوانه اصرار کرده است که پنج شش تومان
بجهت خود بردارد قبول نگرفته است

۱۵۴۶

سیر و لایات

از ریایجان از قرار یک در روزنامه آذربایجان
نوشته اند در ایام دهم عاشورا در جمیع نجا با وعیزه
تبریز مجلس روضه خوانی و تعزیه داری جناب سید الشهدا
با خلوص نیت برپا نموده اند و نواب سید شازده
والا تبار نصرت الدوله و معتمد در بار سهراب
مقرب انخافان قایم مقام کمال مراقبت و موافقت
لعل آورده اند که در آمدن دستجات سینه زن از
محللات از احدی حرکت خلافی ناشی و صادر نگردد
و در بیع مجالس بعد از ذکر مصیبت و تعزیه داری
بدعای بقای وجود فایض انجود و هایون اقدام نموده

دیگر نوشته اند که عالیجاه نادر قلیخان تانی که بحکومت
اردنق از نواب مامور شده است با نالی آنجا بپارچه
سلوک نموده و در یک از دهات منزل علیجده قرار
داوده است که محصلین دیوان در حاشیه رعایا منزل
نکنند و لایات دیوان رعایا معین کرده که خود رعایا
در سر قضا آورده میدهند و لایات کمال ضمانت بر او

اصفهان

از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته اند نواب مستطاب
حسنت الدوله در دهم عاشورا هم اسم تعزیه داری بر اهر
از هر سال لعل آورده و بقر معمول همه روزه در تالار
مجلس تعزیه داری برپا داشته و روز عاشورا لعل
نقش جهان تعزیه در آورده مردم بجای و چو در کتبه ایستاده

دیگر نوشته بودند که چون مادی هزار جریب که از
 زاینده رود آب بر میدارد و خرابی بسیار بسیار
 و بجهت نامواری راه مادی مزبور آمدن آب قدرتی
 صعوبت دارد و از اوایل حکومت مرحوم محمدالدوله
 تا کنون تنقیه نگردیده و تم آب شده بود و در
 نزدیک بود خرابی زیاد در هزار جریب و سایر
 بهم برسد نواب مستطاب هزاره حمت الدوله
 خود رفته و در اینجا چاه و زو سه روز توقف
 نمودند و از بلوکات و توابع عمل حواله داده و نفری
 ده شاهی اجرت قرار داده عالیجاه علی اکبر حاج
 رودشتی را که مادی کافی و کاروان و دریا
 امورات سررشته کامل دارد و بر کاری انجامین
 کردند و چند روز است که بانهاست سعی و اهتمام
 مشغول پاک کردن مادی مزبور میباشد و مالی
 بلوک مزبور ازین مرحله رنجورند بوده اند

دیگر در باب قراولخانه های شهر و طرق و شوارع
 نواب هزاره حمت الدوله قدغن اکید نموده اند
 و سواره و پیاده و قراول خانه ها سر راهها گذاروغن
 که مشغول حفظ و حراست بوده عا برین و مترودین گوشت
 با سو و کی و اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند و از
 همه بلوکات التزام گرفته اند که در گرفتن سارقین
 اهتمام نمایند و در هر یک از بلوکات که سرقه اتفاق
 بیفتد یا سارق را بدست بیاورند یا از عهدت

اموال مسروقه بر آیند و بدین جهت کمال انتظام
 در امور شهر و بلوکات و توابع حاصل است که
 و زوی اتفاق می افتد

دیگر نوشته بودند که چون این اوقات اوایل
 و هنگام نسق و زراعت کاری میباشد نواب
 شاهزاده حمت الدوله تاکیدات اکید در
 امور عیشتی و زراعت نموده اند و بعضی از
 مخدوم و شکسته را خود قرار زراعت داده اند
 و سایر رعایا نیز نظر مراقبت و اهتمام
 معزی الیه همگی سرگرم عیشتی و زراعت نمایند

دیگر تعمیر اجناس اصفهان را که نوشته اند
 در ماه محرم احکام از این قرار بوده است

یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم
یکم	یکم	یکم	یکم	یکم	یکم

۱۵۴۷

۱۰۰۰	دو هزار	یک من	دو هزار
۱۰	هزار دینار	یک من	هزار دینار
۱۰۰	هفتصد و پنجاه	یک من	هفتصد و پنجاه
۱۰۰	هزار دینار	یک من	هزار دینار
۱۰۰	یک تومان	یک خردوار	یک خردوار
۱۰۰	پنج هزار	یک خردوار	پنج هزار
۱۰۰	یک تومان	یک من	یک تومان
۱۰۰	یک تومان	یک من	یک تومان
۱۰۰	یک تومان	یک من	یک تومان
۱۰۰	یک تومان	یک من	یک تومان

ازین ولایات اخباری رسیده است

فارس

از قمریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور
 اولایات قرین انتظام است و نواب مستطاب
 شاهزاده و الایتبار مؤید الدوله حکمران مملکت
 فارس در نظم ولایت و رفاه و آسودگی نوکرو
 رعیت اهتمامات کافی معمول میدارند و بقانون
 معموله همه روزه در دیوانه نشسته بمذاکره
 رسیدگی می نمایند

و هم چنین مقر بانخان شجاع الملک و شیر الملک
 در انجام خدمات دیوانی و وصول ایصال الیای
 و رسیدگی معاملات و محاسبات کمال سعی و

معمول میدارند سایر چاکران دیوانی و ضابطان
 نظام هر یک در انجام خدمات خود نهایت
 ایتمام را داده اند و نظام موقوفه شیراز همه روزه
 مشغول مشق میباشد خاصه توپخانه که بر وقت
 و ایتمات عالیجاه عبدالحسین خان سربنک
 نهایت مهارت و چابکی در مشق بسم رسانند
 و همه روزه مشغول اند

دیگر نوشته اند که یازده عراده توپ با یکصد
 پنجاه ریس اسب توپخانه و یکصد و پنجاه نفر
 توپچی براهی غنی سلطان بهارلو و مسعود
 خرفانی از دربارها بون مأمور فارس شده بود
 و در آخر و پنجه وارد آنجا گردیده بلا حمله و
 نواب مستطاب مؤید الدوله رسیدند و نواب
 معتمدی الیه مقرر و اشتمد که شکستگی عراده
 توپها را تعمیر نموده و هشت عراده از آن توپها را
 با توپچی روانه بندر ابوشهر نمودند

دیگر نوشته اند که در ایام دهم خاخورا در جمع
 و مساجد مجلس روضه خوانی و ذکر مصیبت و تعزیر
 جناب سید الشهدا پر پا بود و در هیچ جا از آید
 حرکتی خلاف ناشی و صا در نگردیده با کمال
 آرامی مجالس روضه خوانی و تعزیر و ایراد بحای
 بقایم جو داندش شایسته ختم کرده اند

دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع فارس
از بندر بوشهر الی شیراز و از آنجا الی این
اصغیان در کمال انتظام است و عالیجاه محمدرضا
سوار فرسوران در هر یک از منازل گذشته
بمخاطب و حر است مشغول اند و مترودین ابوده خاطر
عبور و مرور فیما بین و وزومی در راهها اتفاق
نیفتاده است که اینک در او آخری کچه خدا بزرگ
نایب چایار خانه با عیال خود بسراه قافل از
منزل خان خزه بمنزل ده بید می آمده است در عرض
راه جمعی از قطاع الطریق بر سر قافله رنجیده سوار
با چند نفر از کاشی رخصدار نموده امواشان را
برده بودند عالیجاه محمدرضا خان نصف شب
مطلع شده با سوارانی که مسراه داشته است
مشاقق ساروقین شتافته و با آنها رسیده
طرفین بیکدیگر نمک خالی کرده و و نفر از ساروقین
بزرگم کلوله از پا آورده با بقی فرار کرده و خود را
به پناه کوه کشیده بودند عالیجاه شاره الیه ان
و و نفر اسیر نموده صورت آنها را بحضور نواب
مؤید الله و له فرستاده و جسد آنها را در میان
موضع حجره التاروقین بکچ و سنگ گرفته است

کرده است قوافل و مترودین در کمال رفاه و سیر
و اگر در آن چشمها کار نموده و منزل فرورد
آباد می بکیر و آنجا از تظاول قطع الطریق
مصون خواهد شد

دیگر نوشته بودند که ایلات قفقاز و غیره
در این اوقات از سرحدات عازم کرمیرات
شده اند و در زمان توقف در سرحدات
با کمال نظم حرکت کرده اند و این اوقات نیز
که روانه کرمیرات شده اند موافق
از راهها عبور نموده اند و از کسی خلافتی
ناشی و صادر نشده است و عالیجاه محمدرضا
محمدرضا خان ایلیخان کمال مراقبت در نظم ایلات
فروردین خواهد داشت

توپچیان متوقف بندر عباس بعد از رسیدن
عوض آنها بندر فروردین از آنجا مراجعت کرده
نواب مؤید الله و له اند از خجاست نفر
مانورین که بوده اند پنج نفر آنها فوت شده و
اغلب مریض بوده اند نواب شاهزاده با
انعام داده و اطبا مشغول مداوا و معالجه آنها
فروردین

از فرار یک در روزنامه فرودین نوشته بودند
و و نفر از رعایای زاجگان یک رئیس قاطر
از دارالخلافه فرودیده فرودین آورده بودند

۱۵۴۹

د و نفر سر باز از کذا رشن مطلع شده کیفیت را
 سبر تک خود حالی کرده آنها را گرفته نزد حاج
 مقرب انخاقان حاجی حسنعلیخان پیکار قزوین
 فرستاده قاطر ادا داده است به ار اخلایه
 و در د ان محبوس اند
 دیگر نوشته اند که عالیجاه آقا حسن نایب فرسخ
 با تفاق آقا فرج الله قزوینی و قاطرچی عالیجناب
 حاجی میرزا مفید پاره سال نرمه و جبهه ترمیم
 تکمیه خود که بر ساله در قزوین بجهت تفریه داری
 بر پا میکند فرستاده بود و اشیا و فرموده را با قدر
 اسرار حاجی میرزا مفید و قشلاق قزوین سیرقت
 کرده بودند یک نفر قاطرچی نیز همراه آنها بود
 مقرب انخاقان حاجی حسنعلیخان فرستاده او را
 و قاطرچی چوپداری را آوردند و تحقیق نموده معلوم
 شده بود که یکس مادیان و یکس یا بوب
 از قاطرچیان پادشاهی از شاهزاده عبدالعظیم
 در دیده بهان سپره داده بقزوین فرستاده
 بودند مالها را از او گرفت که بعد از عاشورا
 به ار اخلایه فرستاده قاطرچی شاکر در مزبور
 مطالبه اسباب عالیجاه آقا حسن و عالیجناب
 حاجی میرزا مفید در حبس است تا اموال سرود
 از او دریافت شود
 قم و کاشان و کرمان و کرمانشاه

۱۵۵۰

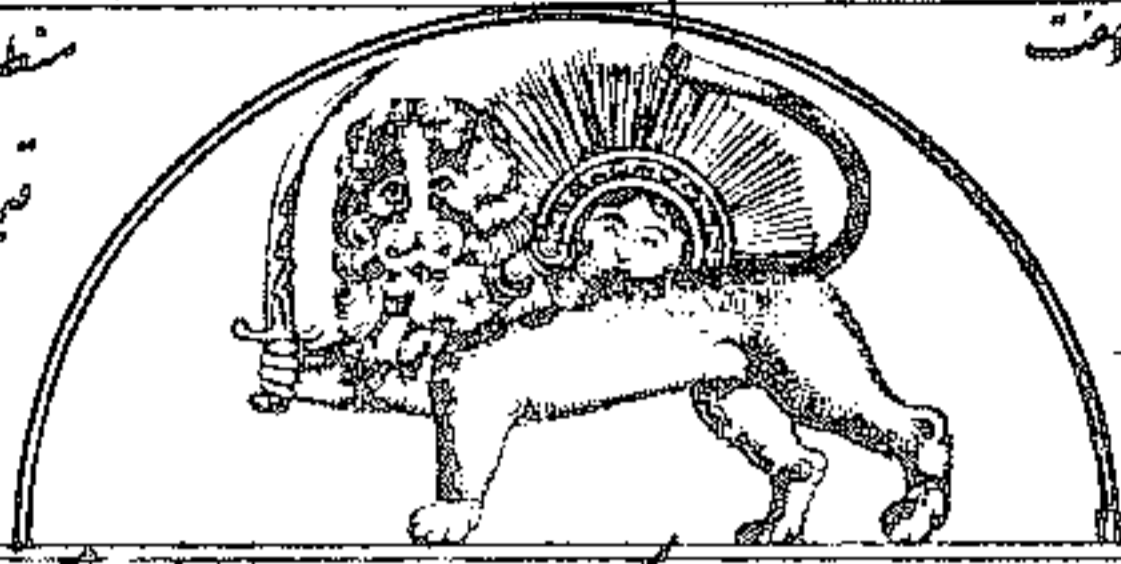
و کروس

از این ولایات در این مفعله اخباری رسیده است
 کردستان
 از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند
 در ماه محرم الحرام امسال مقرب انخاقان
 والی کردستان زیاده از سالهای دیگر در
 و به عاشورا اسم تفریه داری جناب سید
 معمول داشته و در هر مجلس بعد از تفریه و ذکر
 مصیبت بدعا گوئی ذات اقدس شاهنشاهی
 داشته اند
 دیگر نوشته اند که امسال از اوایل بهار و تابستان
 الی بیستم شهر ذیحجه الحرام هوای کردستان
 در نهایت اعتدال بود و ناخوشی در میان مردم
 بسیار کم بود و حاصل صیفی و شتوی خیلی زیاد
 بعل آمده و انگور باغات فراوان آمده بود و
 در عشره و آخر ماه مزبور چهار پنج شبانه روز هوا
 منقلب گشته و سرد شده و برودت چندین
 شده و نموده که کام انگور باغات خشک گردیده
 و بعضی از حاصل نیز ضرر بسیار رسیده بود
 در عایای اولایت ازین حمله خیلی متضرر شده
 کیلان و مازندران و نسا و نند
 همدان و یزد
 ازین ولایات نیز درین مفعله اخباری رسیده است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجمه پیر و عصر المظفر مطابقت اول شنبه

نزهت چهره هفت

قیمت روزنامه
هر نسخه ده شلر



منطبعة دار الخلاء طهران
قیمت اعلانات
هر خط پنج شلر

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

ارو و می های یون

در شب چشبه ششم این ماه که شب عید مولود مبارک
آندس های یون شایسته ای بود جشن ملوکانه و عمارت
داوودیه فراسم آده جمعی از شاهزادگان عظام
بیت شرفیاب حضور مبارک بودند اسباب شادمانی
از قریه خانه مبارک که بحضور های یون برود انشب
بیش و شادمانی بسر برود روز پنجشنبه را بجا
اعیاد بزرگ سلام عام اتفاق یافته است ای
علیه و مقربان حضرت کرده و نبط سینه و
وصاحب منصبان نظام و خوانین عظام و پیران اسلام
و چاکران و بارگروه و نام در سلام باختر شده هر یک در
مرتب و مقام خود شرفیاب حضور مبارک گردیدند و حیرت
شلیک توپ و زنبوک بقاعده معموله شد عالیجاه خطیب
ادای خطبیه طبع بنام آندس های یون نمود و بدعای بجا
وجود فائض انجمن و ختم و عالیجاه شمس الله اقصیه عز
که بجهت عید مولود های یون برشته نظم کشید بود در

سلام عام عرض نموده مورد بخشش ملوکانه گردید و
بعد از انقضای سلام عام بجا نوبتی که در شهر بیدار
سلام دیوانخانه بسر در ب دیوانخانه تشریف فرمائی
بسر در ب عمارت داده دید تشریف آورده صحاب
طرب و سایر اهالی ارده از وضع شرف و نوبی که
از دروازه انظار بجهت زیارت وجود فائض انجمن و های یون
شاهشاه عباده و پیر رفقه بودند از زیارت وجود و اس
مروک و دیده را چشم روشنی داده صحاب
طرب و غیره از انعام ملوکانه بهره ب گردید
بر چند ساعت بقا بر حسب امر علیحضرت شایسته ای
انتظام امور و تربیت له اب شرفه الامیر نظام عهد
کفایت و در این جناب جلالت اب شرف امجد اکرم
صدر اعظم افخم محمول و موکول شده بود ولی از انجا
بیکر شمش غل و نوبی در وقت امور نظم ممالک محروسه
پادشاهی که لیل و نهار اوقات شریف خود را
برسیدگی آنها مصروف دارند حضرت و رحمت

۱۵۵۱

زیاد برای جناب معزی الیه حاصل بود و موجب
 تعویق بعضی از امورات دولتی میشد بنا به جناب
 معزی الیه از خاکپای هایون علیحضرت شایسته
 خلد الله ملک و سلطانه مستدعی شد که نظام امور
 متعلقه بنواب معزی الیه را بعهده امیر الامراء لعظام
 مقرب انخاقان عزیز خان سردار کل عساکر منصوب
 محول و مفوض فرمایند سرکار علیحضرت شایسته
 استدعای جناب معزی الیه را مقرون با جابت
 فرموده منصب عساکری بوقت شرف والا امیر نظام
 بعهده مقرب انخاقان مشار الیه محنت و مفوض
 فرمودند که با کفایت کافی و درایت و انقیاد مشغول
 تربیت و نظم امور و رفاه و عطف جات متعلقه بنواب
 معزی الیه باشند و مواردی که بخواهد بجا آید
 به ن مبارک بضمیمه بکلیت قلم کلان با اسرار جناب
 سنی بجواسی هایون بافتخار مقرب انخاقان
 مرحمت و عنایت شده

چون مراتب خدات و اهتمامات عالیجاه مقرب
 عمر علیخان شجاع الملک در وصول و ایصال وجوه
 قسط مالیات فارس و نظم بندرات و سرمد است
 بعرض خاکپای مبارک علیحضرت شایسته
 در پیشگاه حضور هایون زاید الوصف مستحسن و مقبول
 افتاده بود لهذا این اوقات محض و فور محنت بجا
 در باره عالیجاه مشار الیه یک قطعه نشان از مرتبه
 سیم میرنجلی بافتخار عالیجاه مشار الیه مرحمت و

۱۵۵۲

ارسال شده فرمان مبارک میر شرف صدور
 یافت

دار اخلای طهران

هوای دار اخلای طهران درین روزها بسیار خوب است
 و مطلقا ناخوشیها کم شده است خصوصاً ناخوشی
 و با که تنزل نموده و تخفیف کلی یافته است چنانچه
 از قرار روزنامه یومیته شهر از اول بقعه الی یوم شنبه
 یازدهم اینماه بروزی و نفر رسیده است امید
 کلی است که ایشار الیه کلی رفع بشود

درین روزها در وی با صفا تکمیل یافته و دیوار قلعه را
 سوراخ کرده او را گرفته بودند و در مقام مطالبه اموال
 سر و قه بر آمده مذکور داشته بود که من و دو نفر
 دیگر نیز دارم که از طایفه عرب کاشی میباشند
 اینها را نشان داده و گرفته اند بالفعل در دست
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبار و شیر سیرا
 حکمران دار اخلای طهران و توابع میباشند که
 مردم از آنها مستر و شده بعد حکم آنها بشود

سایر ولایات

آذربایجان

از قرار یک روزنامه آذربایجان نوشته اند در
 ایام و به عاشر علاوه بر کیه دولتی که از اتهامات
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبار نصره الدوله و
 معتد در باره حشام مقرب انخاقان قایم مقام
 کمال انتظام را داشته است محض مرید حصول

و عا کونی ذات اقدس هایدون شاهی
 مقرب انکافان شاهی الیه کتبه علاحدہ در عکارت
 خود بر پا کرده چاعت تجار و معارف طاق نا
 در آنجا بسته هر کوزه اسباب چراغ و بلور آلات
 با کمال شکوه زینت و آرایش داده تا نیز هم
 محرم شب و روز مشغول تعزیه داری جناب است
 بوده اند و هر شب از هر طبقه و هر صنفی جمعی را
 کرده در هر مجلس بعد از تعزیه و ذکر مصیبت
 دوام عمر و دولت و از دیاد شوکت حضرت
 اقدس هایدون شاهی قیام و اقدام در
 و از هر یک از محلات شهر دستجات سینین
 به کتبه مزبور آمده با کمال آرامی و انتظام مشغول
 تعزیه داری بوده اند و از احدی حرکت خلافی
 ناشی و صاور نمیشده است
 اصفهان و استرآباد و اسد آباد
 ازین ولایات درین بقیه اخباری رسیده است
 بروجرود
 از فرار یک در روزنامه بروجرود نوشته بودند
 در ایام و همه عاشورا در جمیع پنجایای بروجرود
 مراسم تعزیه داری را بطور مشایسته بعمل آورده
 و اعلیٰ آنجا با خلوص نیت مشغول تعزیه داری و
 و عا کونی ذات اقدس هایدون شاهی بوده
 و دیگر نوشته بودند که چون نواب مستطاب

شاهزاده و الا تبار احترام الله و له حکمران بر
 و عربستان و لرستان و ختیماری در او اخر
 ماه محرم عزیمت سمت عربستان را داشتند در
 اوایل ماه دیحجه احترام فوج سیلا خوری ابو ایوب
 عالیجاه و لیجان سرستپ را در باغ شاه حاضر
 کرده بعد از آنکه آحاد و افراد فوج را نفرین فرستادند
 کرده مجدداً بازسان دیده مشغول مدارکات
 لازمه فوج شدند و جمیع مدارکات آنها را از
 طبوس و تفنگ و غیره انجام داده و بعد از این
 بدقت باز دید کردند و فوج مزبور با کمال استیقام
 همه روزه مشغول مشق و مستعد و آماده اند که هنگام
 حرکت بچگونه معطلی ندارند

دیگر نوشته اند که چهار عاده توپ که همراه عالیجاه
 علیقلی سلطان و توپچیان دامور عربستان بودند
 در باغ شاه حاضر شده توپچیان مشغول تیر
 و مدارکات سفر بوده اند که هنگام حرکت نواب
 هاشم الدوله روانه عربستان شوند

خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته بودند
 خلعت آفتاب طلعت هایدون که از جانب سیستان
 اعلیحضرت شاهی بافتی نواب مستطاب
 شاهزاده افخم و الا تبار فرما فرما مرحمت شده
 بود بعد از رسیدن خلعت هایدون نواب
 معزی الیه لازمه احترام و توفیر از خلعت هایدون

۱۵۵۲

بعل آورده زینب پیکر اعتبار خود ساخته و تا کید و حسدجوی آن بعل آورده قدغن می نمایند که
 و یو استخانه بزرگ مجلس سلام منعقد نموده بودند اموال مسروقه و منقوده را از هر کس که بوده
 و جمع خوانین و اعظام و اعیان و صاحب مصیبتان اسر داده کرده بصاحبش رد نمایند از جمله شخص
 نظام و غیره حاضر شده خطبه بنام حاجی هایون خوانده شده
 خوانده شده اختتام مجلس بدعا کوفی وجود مسعود
 هایون گردیده و برای تهیت چند تیر قو شکلیک کرده بودند
 از قرار یک در روزنامه نوشته شده بود نواب
 مستطاب فرمانفرما و نظام و القیبات امور ولایت کمال اهتمام دارند و این اوقات بفرمان
 خود قدغن کرده اند که بیت نفرفراش منستاد همیشه در میان شهر کرسش نمایند و از هر کس خلاف
 قاعده و بی اعتدالی نسبت مردم ظاهر شود فوراً
 بارک خدمت نواب معزی الیه بیاورند که رسیدگی
 نموده در مقام رفع آن برآیند و بکلاتر شهر مس
 قدغن نموده التزام گرفته اند که خیریات و کلیات
 اتفاقیه شهر را در ضمن روزنامه بمرض نواب معزی الیه
 رسانند و از هر کس خلافی صادر بشود عرض
 کنند که در مقام رفع آن برآیند و از اینجه
 رفع بی اعتدالی الی الی و او باسش گردیده بکلیت
 فراغت و آسوده گی برای مردم حاصل گردیده است
 و کسی را جهت مخالفت نیت و از هر کس سبیل
 مالی خواه جزئی و خواه کلی سرفقت یا منقود و بشود
 بجز آنکه بمرض نواب فرمانفرما میرسد کمال

تاکید و حسدجوی آن بعل آورده قدغن می نمایند که
 اموال مسروقه و منقوده را از هر کس که بوده
 اسر داده کرده بصاحبش رد نمایند از جمله شخص
 قضایی قدری مال از دیگری سرفقت برده بود بعد
 از آنکه نواب معزی الیه مطلع شده بودند حکم بآسوده
 کرده مال مسروقه را اسر داده و بصاحبش رد نموده
 و شخص قصاب را بجزای عمل خود رسانده و او را
 حصار کرده در بازار را بگردانند که با عبرت دیگران شود
 و همچنین چند نفر الی الی و او باسش که کارشان تمام
 باری و معتمد جونی بوده است حسب احکم نواب
 معزی الیه آنها را گرفته بجزر آورده بودند و از هر
 لازم جنبه بعل آورده اند که بعد از این مرتکب اینگونه
 حرکات نتوانند شد

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه فاحشه پیشا بود
 زینمای مردم را فریب داده با بیطرف و آن طرف
 و خانه این و آن میزوده و بار کتاب فو افس و شغل های
 اهدام می نموده است مراتب بمرض نواب معزی الیه
 رسیده حکم فرمودند که او را از ارض اقدس اخراج
 کرده پیشا بوز ببردند که دیگر بمرض اقدس نیاید
 دیگر از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته بودند
 از قول جمع کثیری که خودشان مشاهده کرده بودند
 در آنجا متفق اللفظ مذکور نموده اند این اوقات بکثرت
 سر بازار قریب بظهر رفته بودند است الاغ خود را با

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه فاحشه پیشا بود
 زینمای مردم را فریب داده با بیطرف و آن طرف
 و خانه این و آن میزوده و بار کتاب فو افس و شغل های
 اهدام می نموده است مراتب بمرض نواب معزی الیه
 رسیده حکم فرمودند که او را از ارض اقدس اخراج
 کرده پیشا بوز ببردند که دیگر بمرض اقدس نیاید
 دیگر از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته بودند
 از قول جمع کثیری که خودشان مشاهده کرده بودند
 در آنجا متفق اللفظ مذکور نموده اند این اوقات بکثرت
 سر بازار قریب بظهر رفته بودند است الاغ خود را با

۱۵۵۴

به نزدیکی مسجدی که در جنب حمام بیکر سبکی
 واقع است رسیده الاغ اورم کرده بود و سوار
 با طرف خود نگاه کرده دیده بود که در آن مسجد
 سه چهار نفر زن نقاب بر صورت او نچه مشغول
 لوزه و گریه می نمودند و در میان آنها یک نفر زن بلند
 بالائی است که آمده و در در مسجد می نشیند و وضع
 دستهای خود را بر جسم زوجه با حرکت می کند بسیار
 سحر شده داخل مسجد فرود گشته کسی را ندیده بود
 و زنها غایب شده بودند این که ازش را بر دم نقل
 کرده بود و هر کس از آنجا عبور میکرد است دیده
 قدم مسجد فرود نمانده بهین حالت را مشاهده میکرد
 و چون داخل مسجد میشد کسیرا میدید است و
 مسجد فرود چون دایر بنوده و مدتی در آنجا نماز عجت
 نمیشد و حصیر نهشته است جای پای آن زنها
 مشاهده کرده شش خاکی از جای پای آنها برداشته
 بوسی عطرازان خاک استشام کرده بودند مردم
 چون این حالت را دیده بودند از حمام کرده و با
 چراغان کرده و مجلس روضه خوانی در آنجا برپا
 نموده بودند و حالا سبجه ناز و زیارت و نذر و نیاز
 اغلب اوقات از حمام تمام در آنجا میشود
 حجت و خوانش در این هفته ازین
 ولایات نیز اجباری برنیده
 و ارالمیره
 از هزاریکه در روزنامه ماژندران نوشته بود

این اوقات از قرار تقریر اهل کشتی یک فرزند
 کشتی از میرزا باقر نام کبیلانی بجهت خریدن کت
 از دهنه رودخانه سفید رود داخل دریا شده
 خود میرزا باقر قسم در آن کشتی بوده و یک پسر و
 یک نوکر و چهار نفر عمده همراه داشته است بعد
 از آنکه دو سه روز در دریا رفته اند یکروز نزدیک
 بغروب یک فرزند لنگا از دور پیدا شد میرزا
 باقر با احتیاط اینکه شاید ترکان درو باشد
 توپ و تفنگی که در کشتی داشته مستعد نموده وقتی که
 نزدیک شد بودند معلوم شده بود سه نفر
 ترکان در آن لنگا مشرف بغرق هستند و لنگای
 آنها شکسته است میرزا باقر از ابات خلاصی آنها
 آن سه نفر را بکشتی خود آورده با خود چند روز
 آنها را در آن کشتی نگاه داشته متوجه شد بود
 در این بین آن چهار نفر عمده مرده و در با ترکانان فرود
 کنکاشش کرده بودند که میرزا باقر را بقتل رسانند
 یک روزی میرزا باقر با پسر و نوکرش هر سه خوابیده
 بوده اند اول میرزا باقر را مقتول کرده و بدریا
 انداخته بعد از آن پسرش را نیز کشته و بدریا
 افکنده پس از آن وحشت کرده بودند که شاید
 کسی در دریا با آنها برخورد خود را بکنار کشیده
 کشتی را سوراخ کرده غرق نموده بودند و در
 خشکی قصد قتل آدم میرزا باقر را کرده است را به
 آغاز جرم و فریاد نموده بود در آن جنین

۱۵۵۵

چند نفر سوار عبد الملکی که بجهت محافظت کنار دریا مقیم
 فریاد و عجز آن شخص را شنیده آمدند آنها را گرفته
 مقیمه انجوسا بباری آورده اند مراتب تعرض خاک
 بپایون رسیده مقرر فرمودند که آن چند نفر کجا
 در ساری بسزای عمل خودشان برسانند
 بازه آن چند نفر سواره عبد الملکی که خدمت کرده بود
 بذل القات شود

سنان و شاهر و و عراق و
 عربستان و فارس این ولایات
 درین مقیمه اجباری رسیده است

کرمانشاهان از قرار یک در ضمن تحریر است
 روزنامه کرمانشاهان سمت تحریر یافت بود
 این اوقات از منزل خانیقین الی نجف شریف
 سبب تعرضات اعراب اغتاشش کفی در آن
 حدود حاصل است و از برای زوار و مسافران
 آسایش و امنیت در آن راهها نیست آنچه
 از قرار یک نوشته بودند این اوقات زیاده از
 چهار صد نفر زوار مازندرانی و رشتی را در
 کاروانسرای خانزاد که در پنج فرسخی بغداد است
 کجا برهنه کرده اند و نه مرد و نه زن را
 و چند نفر از خردار کرده اند و اموال و اسباب
 زیادتی بقدر بیست سی هزار تومان از آنها تلفات
 برده اند که آنچه داشته اند همه را از دستشان
 گرفته اند

و بگر از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته
 بودند فواید عباد الله و له حکم ان کرمانشاهان
 قرار داده اند که از افواج انجا هر فوجی دو ماه
 بشهر آمده مشغول مشق باشند و بعد از اتمام مشق
 مواجب خود را با استحضار شکر لایان گرفته
 مرخص شوند یکروز بعد از عا شورا عالیجاه
 زمین العابدین خان فوج کلهر را بشهر آورده
 مشغول مشق هستند و همه روزها از صبح الی چهار
 ساعت از روز گذشته در پشت قلعه مشغول
 مشق میباشند

کردستان

از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته است
 ایل مدعی اسال زیاد دست اندازی بعضی
 کردستان و کروس کرده اند چنانچه در حکام
 مراجعت چند قریه معطم کروس را چا پیده
 بعضی از دولت کردستان نیز خرابی رسانده
 و اموال و اسباب زیاد از رعایای انجا
 برده اند در بین راه یک نفر از اوها
 مقرب انخاقان میرهاشم خان را برهنه
 نموده و اسب و اسباب او را برهنه
 با التمام گرفته بودند خود او از دست آنها فرار
 کرده خود را بسنج رسانیده مراتب را
 بمقرب انخاقان والی کردستان اطلاع
 والی نیز او میسر راه او نموده و بمسافر

نایب

۱۵۵۶

سرحدات نوشته بود که جمعیت را بسجده
 برداشته عقب این منزلورتا هر جا رفته با
 بروند و اموال و اسباب مشارالیه و سایر
 اموال منسوبه مردم را از آنها مسترد نمایند
 دیگر نوشته اند که عزبای کسبه که در آن
 مشغول کسب میباشد در توجیه دیوانی با
 کسبه اهل اولایت پیچیده مشاکرت نمی نمودند
 و کسبه اولایت از این حسدشکی بود
 مقرب انخاقان و الی درین باب قدغن کرد
 که هر یک از عزبای که در بازار مشغول کسب و کار
 هستند مانند کسبه اولایت توجیهات و تمهیدات
 دیوانی را داده با آنها مشاکرت و مساوات
 نمایند بعضی از عزبای قبول این معنی را کرده و کار
 خود را بسهرا داده رفتن با وطن خود نمودند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان و الی در
 انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت
 و رفاه و آسودگی رعیت اهتمام زیاده دارد
 و اهل اولایت از حسن سلوک و رفتار
 مقرب انخاقان مشارالیه کمال رضامندی دارند
 کس و کس و کرمان و کسلا
 ازین ولایات نیز درین مفت اجباری
 لرستان

از فراری که در روزنامه لرستان نوشته است
 نواب جلال الدین میرزا با فوج خدا بند بود
 با جلان از دسته عربان و از دسته خاجگان
 پاراچه ای و توپچیان ساخلو لرستان از
 اشتر حرکت کرده مامور خاوه شدند و نظم
 کلی در امر ایلات آن صفحات داده اند خاصه
 امور کاکاوند را نظم کامل داده اند با
 اهل هر سینه و سایر ایلات کرمان
 شکایت از آنها داشته اند امسال اهل لرستان
 نوشته رضانا مه از جمیع اهل هر سینه گرفته و
 نیز نواب مستطاب احتشام الدوله حکمران
 بر وجه و بختیاری و عربستان و لرستان
 فرستاده اند و امور آن صفحات همه جهت
 قرین انتظام است تا او اواسط ماه صفر که ایلات
 بکر میرات حرکت می کنند نواب جلال الدین
 میرزا روانه خرم آباد خواهند شد

دیگر نوشته اند که نواب غلامحسین میرزا که با
 فوج دهقان و پشتکوهی و دالوند ابو اجمعی
 عباسقلی خان و الی سر تپ مامور هر دو با
 گریوه بودند امور آنجا را انتظام کامل داده
 و از اتهامات و مراجبت نواب حسینی الیه
 اغیت در آن صفحات حاصل است پیچیده
 ظلمی و ستمی در آن سرحد کبکی وارد نیامده
 و افضل شوشتری که در این اوقات وارد شده

۷

۱۵۵۷

ریاده از نظم نواب معزنی النبه و
میان ایلات سکوند و بالا کرپوه راعنی و
بوده اند

دیگر نوشته اند که در اول بهار که ایلات حرکت
بسمت بیلا قات میکردند دوبار که باس از
قافله سوشری در چاید رفقه و شده بود
نواب مستطاب احتشام الدوله اموال
از وظایف سکوند خواسته بودند آنها خدمت
نواب معزنی الیه الترام سپرده بود که
مال مزبور در نزد آنها بروز نماید مورد مواخذ
باشند بعد از طوائف حول و حوش مطالبه کرده
معلوم شد که پیر حیدر خان والی که از پدرش
فتر کرده و بان حوالی آمده بوده است و با
مزبور بدست او افتاده بود نواب معزنی الیه
فرستاده مال مزبور را از او سترو و بصاحب
تسلیم کردند و آنچه از مال را که بمصرف رساند
بود و قیمت آنرا دو مسایوی از او گرفته بضا

مال دادند

دیگر نوشته اند که یک نفر دزد که سابقاً
دار انحلافه طهران دزدی کرده و یک دست او را
قطع کرده از دار انحلافه اخراج نموده بودند در
این اوقات بایز در اینجا به کتب مرقوم شده
بود و سبگیر گردیده و الان در حبس است
تا بعد حکم آن بشود

۱۵۵۸

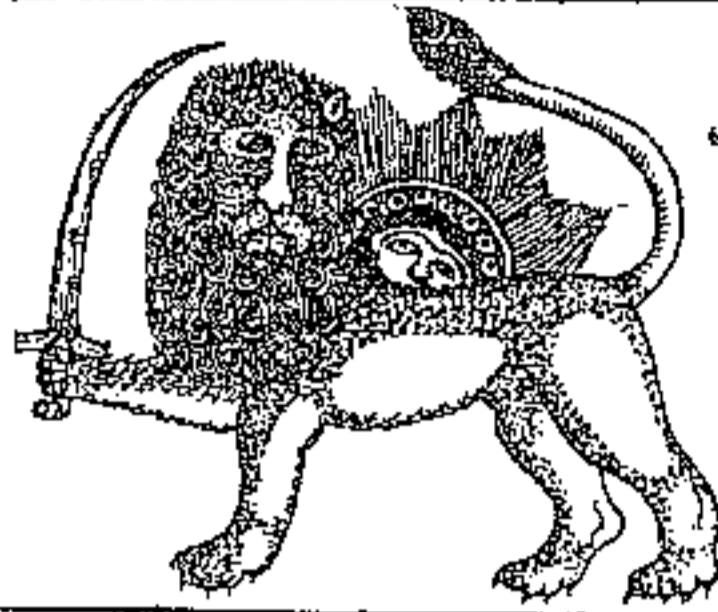
دیگر از قراریکه تعمیر اجناس الوالات را
نوشته اند همه چیز فرزان و ارزاق است
و امالی و رعایای الوالات از این حمله کمال
رفاه و آسودگی دارند
نمایند و همدان و یزد و این
ولایات نیز درین هجده اخباری بود



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه نهم ماه صفر الحظوظ طایباً اشعاشی ۱۲۷۲

نزهت و تفریح و جلد و است

قیمت روزنامه
پرنسخه ده شاهی



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
بطریق دیگر

احبار و اخلاص مالک و نسیب پادشاهی

دار الخلاص طهران

چون درین اوقات هوای دار الخلاص طهران خوش شده و رفقا خوشی بجلی گردیده است اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه که در داودیه تشریف داشتند در چهارم و پنجم این ماه از آنجا بیابان نکارستان تشریف فرما گردیده و عنایت چند روزه توقف در آنجا دارند تا بابت سعادت تشریف فرمای ارک مبارک بشوند و در این اوقات که موکب همایون در داودیه تشریف داشتند وجود مبارک بسیار خوش گذشت است و این روزها که باران مطلوب و بجهت زارعین منافع کلی دارمینت قدم بهجت لزوم حضرت است همایون شاهنشاهی دامت شکره از روزیکه تشریف فرمای نکارستان شده اند و در روز است

که علی التوالی بارندگی خوب میشود و هوای بسیار ظایم گردیده است و بجهت صفا و خوبی هوای در روز شنبه نهم نیز اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی میل سواری فرموده و تفریح و کشتی در دار الخلاص مبارک تشریف فرما گردیده نظر بانتهاماتی که از عالیجا مقرب انخافان موسی پسر جناب اشرف امجد محترم صدر اعظم در خدمتگذاری اوقات توقف موکب همایون در داودیه بکهور رسیده و خاطر اقدس همایون از حسن خدمتگذاری خود خرسند و استیفا از خدمات او مطبوع و مستحسن خاطر اقدس همایون افتاده و در این اوقات بیک ثوب کلیجه از لبوس تن مبارک در ازای خدمات متشانه با وفاعت حرمت گردید

۱۵۵۹

نظر بطور محنت طوکانه در باره عهده الامراء ^{لعظام}
 مترب انخاقان محمد ناصر خان ایشیک آقاسی با
 در روز پنجمه که شب که روز عید مولود مسعود
 اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملكه
 سلطانه بود یک ثوب جبهه ترمه از طپوس تن
 مبارک بمقر انخاقان مشار الیه خلعت محنت
 فرمودند

چون در این اوقات مرحوم سوجه خان تحویل
 وجوه خزانه اصفهان وفات یافته بود لهذا ^{لجاء}
 عبدالحسین بیک غلام مشیخت را منصب تحویل
 وجوه خزانه اصفهان سرافراز یک ثوب جبهه
 مشار الیه خلعت محنت فرمودند و این روزها
 روانه محل با موریته میشود

نظر بلاحظه خدمات سابقه و لیاقت و استحقاق
 عالیجاه سمرقند اسمعیل خان پیکار استرآباد و سایر
 مقام خارجه اولایت در این اوقات حسب ^{اللائحه}
 یک قطعه نشان از مرتبه اول سمرقند محنت و ^{وفاداری}
 مدد معان مبارک نیز شرف صدور یافت که نشان
 مزبور را او نیزه پیکر اعتبار و افتخار خود ساخته
 پیش از پیش مراتب خدمتگذاری خود را مشهور ^و
 ادتس با یون شاهنشاهی دارد

فوج فراوانی ابوالحسن عالیجاه محمد حسن خان سیرت
 که از خدمت خراسان بدر بار جهاندارهایون
 مراجعت کرده بودند در روز دهم این ماه

وارود از اخلافه مبارکه گردیده و در روز
 چهار دهم که موکب با یون از داود شیر ^{تلف}
 فرمای نکارستان می شدند در بالای نکارستان
 صف نظامی کشیده در کمال شکوه و ارادتگی
 بنظر مبارک رسیده صاحب مضبان و
 احاده و افراد فوج مزبور مور و محسن و نوادگان
 طوکانه گردیدند

سایر ولایات

اوز با یجان و اصفهان و استرآباد
 و اسد آباد درین بنه از این ولایات
 اجباری رسیده است

بر وجه و از قراریکه در روزنامه برود ^{نقده}
 بودند در روز نهم ماه صفر که روز عید مولود ^{مسعود}

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملكه
 و سلطانه بود ثواب مستطاب شاهزاده ^{علاء}
 تبار احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران برود
 و عربستان و لرستان و بختاری در ^{شهر}
 عید مزبور چراغانی نموده و روز عید را تقابون
 اعیاد بزرگ مجلس سلام انعقاد داده ^{چون}
 و صاحب مضبان نظام و اعظم واعیان
 ولایت سلام حاضر شده اجرای شلیک

توسب نموده خطبه بنام نامی اقدس با یون
 او او بدعای بقای وجود فایض ^و استتمام
 یافته اهل سلام شربت و شیرینی صرف نموده ^{سلام}

مقتضی گردیده است

دیکر نوشته بودند که هر سال فصل پانزدهم
مختلف از قبیل نوغش و مطبقه و مخرقه در آنجا
زیاد بود امسال بجهت این امراض کمتر از
سالهای دیگر بوده است و لکن اطفال از ناحیه
سرخجه زیاد تلف شده اند

بیطام

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته است
مورآتولایت از اتهامات نواب مستطاب
شاهزاده محسن و الایثار فرمانفرماقرین نظام
و نهایت فراوانی و ارزانی در ارض اقدس
حاصل است و امور قراولخانها الضباط تمام
وارد و افواج قاهره متوقف ارض اقدس
بمه روزه حاضر مشق میشوند و صاحب مضبان
کمال ایتمام در مشق و انتظام امر آنها دارند و
موافق حساب با امانی آنجا سلوک دارند و
از کسی نسبت بکسی تعدی و خلاف حسابی ظهور
ندارد و روزوار بسیاری از هر یک از مالک
محمود علی التوالی مابرض اقدس می آیند
و میروند و همیشه پنج شش هزار روزوار در آنجا
چپا شدند و در ایام دبه عاشورا نواب فرمانفرما

حکم کرده است در ضمن جدید روضه متبرکه که
چاپ و پوشش بسیار بزرگی زده و اوضاع
و اریا در آنجا با اوضاع تمام فرانسیم آورده
لازمه مخارج را کرده اند و سخته مرید و عاکونی و
قدس بایون اعلیحضرت شاهنشاهی خلد
ملک و سلطانه اطعام و هسان بسیار فقرا و عجزه
و ساکین نموده اند

دیکر از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان از
اخبار مرود و حقوق نوشته بودند در حقوق
این شخصی را که بعد از مقدمه خان جنوق بجهت
خودشان بزرگ برقرار کرده بودند چون سابقا
بزرگ خود را طوره مینامیدند و مشهور بطوره
هستند این شخص را پادشاه نامیده بودند
درین روزها ترکمانان آنجا اجماع کرده و او را
بامیر احمد خان جمیدی و ده پانزده نفر از
معتبر آنجا بقتل رسانیده اند و ما بین ترکمانان
حقوق این اوقات نمازند کلی است

دیکر نوشته بودند که نواب مستطاب
شاهزاده محسن فرمانفرما چند روزی است
مراجعی دارند و عالیجاه حسنعلی خان سرتیب
خروج کرده است با نظام امور شهر و قراولخانها
رسیدگی کامل مینماید و اهل شهر از حسن سلوک
مشارایه رضامندی تمام دارند

۱۵۶۱

حمت و دار المرز و سمان و هر دو

ازین ولایات نیز درین مهله اخباری رسیده است

عراق

از فراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند امور

الولایت از اتهامات مقرب انخافان میرزا حسن

وین نظام است و در ایام و همه عاشور العزیه در

جناب سید الشهدا را بطور شایسته عمل آورده و

اوقات لیالی و ایام عاشورا را صرف تفریح واری

و حصول دعا کوفی ذات اقدس بایون علیخت

شاهی خلد الله ملکه سلطانه داشته و محض

مزید دعا کوفی وجود مبارک بقرا و ضعفا و ارباب

استحقاق خصوصا اطعام و ان نموده است

دیگر نوشته اند که در سیاهستان خانه میرزا آقا

نامی را بریده و اسبابی سرقت کرده بودند صاحب

مال آمده مراتب را بمقرب انخافان میرزا حسن

انگهار داشته بود مشا را اله فرستاده بود

از آن و زود را که در تحت احتیاج حاکم بودند آورد

اموالی که برده بودند تا ماستر کرده و دو نفر دیگر

صاحب سیاهستان نوشته داده است که تا بگاه

وزود را بماند یا از عهد هالی که در نزد آنها برین

و هم چنین چند نفر و زود بقریه بخت آباد و امان رفته

خانه را بریده بودند صاحبان مال عارض شده

و آدم تنگ نفس سارقین بچین کرده بر که مال را

۱۵۶۲

در سیران شراه پیدا کردند و زود دست آمد

اموال مسروقه از آنجا سترده و آنها تنبیه کامل

عربستان

از فراریکه در روزنامه عربستان نوشته اند امور

انجا از حسن مراقبت و مواظبت نواب مستطاب

چشم الدوله بهر چه قرین نظام است و برین

و تویحی و مستحفظ که در قلعه عبات کوفت فیلی و غیره

و غیره مامور حفظ و حراست مستند تا در خدمت

خود و همه روز مشغول مشق میباشد و بایمانت

حسن سلوک با امانی انجا رفتار دارند و کمال

اهمیت و انتظام در آن ولایت حاصل است

و بعضی امراض که در میان مردم بوده است

بکلی رفع گردیده است

دیگر نوشته بودند که چون در موسم پائیز

بسیار از سمت مسقط و ریس انجمنه و سایرین

بجهت خریدن خرما بجزیره و شط العرب و بصره

خرما با برگیری کرده بجمعی میزند و از آنجا بستان

و فرنگستان میفرستند درین سال از فرار

مذکور چندی امام مسقط ممانعت از آمدن جہازات

مذکور میکرد است ولی از فرار اخباری که در

ثانی بجزیره رسیده بود ممانعت را موقوف کرد

و جہازات بجزیره حمل خرما بجزیره و شط العرب

بصره روانه شده اند

دیگر نوشته بودند اسامی سخته طعیان آب
 بهار قدری رسیده و صد و قهای سخته
 آب برده بودند و آب مستطاب چشم الله
 صحت و اعطه و اسباب و تحناه و آذوقه با
 و ستاده و عله بسیار مشغول انداختن سخته
 سخته شده اند و از قراریکه نوشته بودند
 سخته نور را در کمال استحکام تمام کرده اند
 و با الفل نواب امیرزاده در سخته نور
 اردو زده و بعضی جزئیات آن که نامهای
 و است است مشغول نام آن بوده اند که الی
 آخر محرم شاه الله با تمام برسد

دیگر نوشته اند که در این اوقات چهار
 از بند عسکوران بصره بوده است در حوز
 بصره ده نفر و زنجیری علی الغفله داخل چهار
 منور شده دست بنهب و غارت کشیده
 اهل چهار نیز بدفاع اقدام نموده بدزدان
 غالب آمده اند و برده نفر و زور امقتول
 بر بار ریخته اند و خود فتح غنیمت بصره نمود
 از با سجا با ما کن چون مراجعت کرده اند

دیگر نوشته بودند که چهاری از ننگستان
 بارگیری نموده به بصره سپرده اند در نواحی
 بصره جمع در روان در یانی بجای ریخته بنای
 غارت که است نوشته بودند اهل کشتی نیز بمقام
 و جدال برآمد سشش نفر از اهل کشتی و پنج نفر

از دزدان مقتول گردیده باقی اهل چهار
 بودند

دیگر نوشته بودند که چون این اوقات بمقام
 وصول مالیات آن صفحات است عالیجاه
 حاکم خان نهایت اهتمام را در وصول و اصال
 مالیات دارد ولی چون خزای آن صفحات هنوز
 بپردش نرسیده است مالیات تمام وصول نشده است

فارس

ازین ولایت نیز درین مهفته اخباری رسیده است
 قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند
 در ششم اینماه که روز عید مولودا علی حضرت قوی
 شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه بود
 استبازری و چراغان کرده و روز مراسم
 عید سعید را بطور شایسته معمول داشتند
 ششم را مرتب انخاقان حاجی حسنعلیچان
 قزوین صیافت سکین نموده جمعی از اعزده
 اعیان و نوکرهای پادشاهی را دعوت کرده
 و در شب بنقم نیز عالیجاه خانها با خان سرمنگ
 صیافت کرده جشن عید مولودا مسعود و یون
 بقم خوب لعل آورده اند

دیگر نوشته بودند که در ایام و همه عاشورا
 در قریه ارداق روز عاشورا تقریبه داری کرده و
 تعک نیز خالی می نموده اند تعکلی از مال سر بازار

۱۵۴۳

خود سنجو و بدر رفته یک نفر از رعایای آنجا متعلق
 شده بود مقرب الخاقان حاجی سبغیخان در
 مقام تحقیق و تفتیش برآمده معلوم شده بود که
 قتل آن شخص بعد نبوده است مقرب الخاقان
 مشارالیه و عالیجاه خانبا باخان سرشکبیر
 و جوی بجهت مخارج صغار و بازماندگان آن شخص

مقتول داده بودند

و یکرا از قراریکه نوشته بودند اندام محارست محلات
 شهر و طرق و سواران فرودین استقام تمام
 و قوافل و مترودین اسوده خاطر از آن راهها
 عبور و مرور مینمایند و در باب کز مه و مستحفظ
 شهر و محلات سابقا قرار بر این بوده است که
 که فدای هر محله از هر خانه مسبغی معین فراخور
 آن خانه میکرفته و مواجب کز مه میداده اند
 که شبها را مشغول حراست محلات و محافظت خانها
 مردم باشند مع ذلک بازسرت و وردی
 در محلات العاق می افتاد و ورین اوقات این
 مقرب الخاقان حاجی سبغیخان موقوف نمود
 و آقا حسن نامی را بر کز مه شخص کرده و بنجای
 نفر کز مه کار آمد معتبر باسم و رسم شخص کرده
 که مواجب آنها بقرار تعدیل از اهل محلات با آنها
 شبها محافظت و محارست محلات و بازارها و کافه
 و خانهای مردم مستول باشند و از اوقات که آن

۱۵۶۴

قرار داده شده است کز مه روزی اتفاق می افتد
 و اگر بذرست سرقتی واقع شود اموال مسروقه
 با تمام کز مه و مستحفظ بدست آمده بصاحبش تسلیم
 سارق تنبیه کامل میشود و نیز قرار شده است
 که بعد از چهار ساعت از شب کسی در کوچه عبور نکند
 و اگر بی سنگام کسی را در عبور ببینند بگیرند از جمله
 چند نفر از آدمهای عالیجاه خانبا باخان شب
 بیرون آمده بودند مستحفظ آنها را گرفته تیر و کلاه
 خانبا باخان برده و مشارالیه نیز آنها را تنبیه کامل
 نموده و قدغن کرده بود که اگر بعد ازین از نو کز مه
 یا صاحب منصب متعلق من هر کس باشد شب وقت
 و بعد از چهار ساعت که قرار شده است از منزل
 بیرون برود مور و تنبیه و مواخذة کفای خواهد کرد
 و باین سبب سر باز و صاحب منصبان مشارالیه
 بچگونگی قدرت یک شبها بی وقت بیرون بیایند ندارند

دیگر نوشته بودند که در بار و ط کوب خانه فرودین
 در شب چهارشنبه سیزدهم محرم در سنگامی که
 بار و ط میکوبیدند آتشی از دینک بار و ط کوبی
 حادث شده آنچه بار و ط در آنجا بود تفتیش گرفته
 و یازده نفر عمده و بار و ط کوب که در آنجا مستول
 کار بودند یکی سوخته و تلف گردیده و لی سیر
 بجای دیگر کرده بود

قسم و کاشان ازین ولایات نیز

درین هفته اخباری رسیده است

کراماتان

از فراریکه در روزنامه کراماتان نوشته بودند

در ایام عاشورا نواب مستطاب عماد الدوله

حکمران کراماتان در مراسم تعزیه داری

جناب اباعبدالحسین استقامت زیاده بعلل آورده

و محض حصول دعای خیر بجهت بقای وجود فانی خود

اقدس عالیون شاهی و امرت شکست اطعام

ساکین و احسان بفقرا و عجزه در لیلی و ایام

مموده اند

دیگر نوشته بودند که نواب عماد الدوله ^{حفظ} همه

و حراست زواری که از همانک محروم با کجا

آمده و روانه عسکرات عالیات میشوند آنچه در

شهر توقف می کنند یکصد نفر سواره پیاده مشخص

کرده اند که شبها محافظت زوار را بکنند که

قطاع الطریق محفوظ باشند و زوار از این ^{بعضی} در

رفاه و آسایش میباشند و هم چنین از کراماتان

الی قصر شیرین که سر صد فاک دولت علیه عیالیت

قرار داده اند که همه عا سوار مستحفظ همسرا زوار

بوده آنها را سالما از آن راهها عبور داده

بمنازل رسانند

دیگر نوشته اند که درین روزها خواهی از شخصی

در خارج شهر مفقود شده بود کجاست جناب

اقا محمد صالح حاجی علی نام نخواه مزبور را پیدا کرده

بود و حاجی لشهر و خارج شهر انداخته بعد از دو

روز صاحب نخواه پیدا شده آمد و وجه خود را

تمام و کمال دریافت کرده بود

دیگر نوشته بودند که میدان توپخانه و تقارر خانه

کراماتان بر در خرابی بسیار شده و از رفتن

سگوه سابق افتاده بود نواب عماد الدوله قرار

تعمیر آنها داده اند که بهتر از ایام سابق خواهد

و بالفعل هر روزی سی نفر بنا با عله زیاد در آنجا

بنائی میباشند و عقرب میدان مزبور در کمال

خوبی و صفا با تمام خواهد رسید

دیگر نوشته بودند که در دو ازم ماه محرم الحرام

مرحوم میرزا نصرالدین اربوسی مشهور بصدر الممالک

ایزدی پیوسته و نواب عماد الدوله حکم کرده اند

جائزه او را با کمال احترام بدادند

دیگر نوشته اند که نواب عماد الدوله چند روز است

سخته انتظام بلوک بالادربند با سجا رفته اند و

انجارا انتظامی کامل داده اند از جمله چهار نفر از آن

و در مشهور انولایت که بدتها بود بدست نئی آمده

دسگیر شده اند و نواب مغزی الیه آنها را بشهر

فرستاده در آنجا محسوس است تا بعد از مراجعت حکم آنها را بجا

دیگر از قرار یک تغییر اجناس کرمان شامان را
 کند هم اعلی خرواری یک تومان و کندم و
 خرواری شش هزار و پانصد دینار و جو خرواری
 شش هزار و برنج یک من ده شاهی و روغن
 یک من دو هزار و یکمبای و سایر اجناس این

قرار شده بوده است
 کر و استان و کر و کس و کرمان و
 کسلان ازین ولایات نیز درین هفته
 احب تری نرسیده است

لرستان
 از قرار یک در روزنامه لرستان نوشته بود
 چون هر ساله فصل پاییز که ایلات بکر سیرات
 حرکت میکردند چه از دما ت اطراف و چه در
 میان خودشان سرفت و دست اندازی
 بجال یکدیگر میکردند امسال از اتهامات
 جلال الدین میرزا و رکمال آرامی و انتظام حرکت
 کرده اند بچوچه از احدی چیزی سرفت
 نرفته است و نواب معزی البیه نیز حسب حکم نواب
 سرتاب شام الدوله در خانه مراسم تهنیت
 عید مولو و سعود اعلیحضرت شاهی و امست
 بعلی آورده اند و همچنین نواب غلامحسین میرزا
 در هر دو جهت عید مولو و سعود همالون مراسم تهنیت
 و اساس جشن فرام آورده اند

۱۵۶۶

اعلانات

چند طغرا اسناد و نوشتجات و متک اقبال
 میرزا عبد الرسول مقیم رشت بموجب تفصیل وین

سوا و قباله باسم میرزا عبد الرسول
 متک مالک ایضا باسم میرزا عبد الرسول

ایضا متک
 طهارت مالک و غیره

ایضا متک باسم میرزا عبد الرسول
 متک

با بعضی نوشتجات دیگر در یوم تا سوعا در دار
 منقود شده است هر کس پیدا کرده باشد
 بد فرخانه روزنامه که در میدان ارک است
 و بیست تومان مزد کانی بگیرد

- کتابهای چاپی دار انجمن طهران که در کارخانه حاج
- عبدالمحمد باسحق در محله نزدیک دروازه
- و ولایت طباع شده از این قرار فروخته میشود
- دو ار التعمیه سه تومان
- وسایل بافندگی یک بلده ده تومان
- حمت نظامی بیت و پنجاهار
- سریر دو تومان
- زنده المعارف دو تومان
- معراج العاده یک تومان
- شاهنامه چهار تومان و نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور مطابق اول آبان ۱۲۷۲

مزه ویت چمدونه

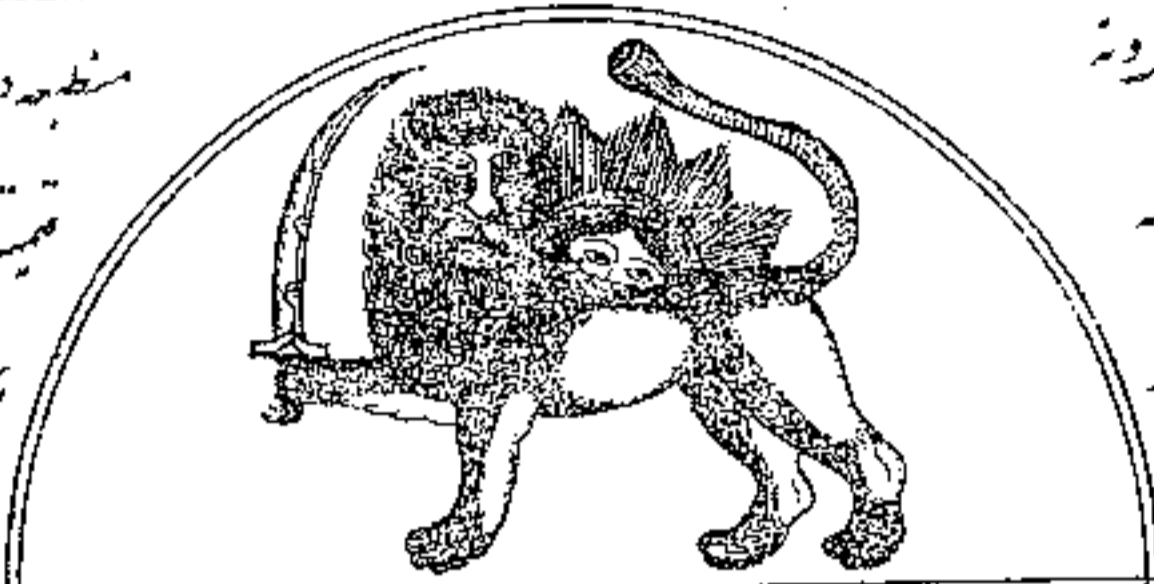
قیمت روزنامه

پنجاه شمشیر

مستطبه دارانخانه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی شش



اخبار واحترام مالک محروسه پادشاهی

دارانخانه طهران

هوای دارانخانه طهران از وقتی که موکب هایون
اعلیحضرت شاهی خلداند مکه بجا رستان
شریف فرما کرده اند در نهایت خوبی پادشاهی
و چنانچه در روزنامه هفته گذشته نیز نوشته شد
اغلب اوقات ترسختی در هواست و چون این
اوقات دینه خرمه صفر است در بسیاری از
تکایا و ساجد و خانها مانند ایام دینه عاشورا
مردم مشغول تعزیه داری جناب سیدالشهدا
اعلیحضرت قوی شوکت شاهی نیز در روز
حرکت از کارستان فرموده از دروازه شمیران
وارد شهر گردیدند از بی و اعیان دارانخانه
و قوگوراد معابر عبور موکب هایون بزمارت وجود
فانیض انجو دانه سس فایز آمد موکب شاهی از

میدان جدید تشریف فرمای ارک مبارک سلطانی
شدند

صورت تشریفاتی که در روز و دو جناب عمده الامراء
سیف الملک عباسقلیخان میرنجه سفیر کبیر دولت
علیه ایران مامور دولت بهیروزس تقیقلیب از جانب
کارگذاران دولت بهیروزس در تظلمین بعد از

در روز و دو جناب معری الیه بدینموجب رسیده
چشمه

جنرال باجور جنرال که از جنرال و سلطان لوی کارگذار امور
معتبرین طایفه کریمی است خارج مملکت تحقیقا زین

پولکویک علی بابین کلر سلی پو لکویک باور سوار نظام
تقلیس

پولکویک و باور سوار نظام
دو نفر

۱۵۶۷